

اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چشم‌انداز روسی

غفار زارعی^۱

اسماعیل عباسی^۲

با تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اگرچه توسعه مناسبات چندجانبه میان کشورهای پساکمونیستی پیشرفت محسوسی نداشته، اما جایگاه رو به تضعیف روسیه در روابط دوجانبه با دیگر اعضای این اتحادیه را تقویت نموده است. تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا همچنین اگرچه آمل ژئوپلیتیک مسکو را تا حدودی تحقق بخشیده است، اما تعیین دستورکار ژئوپلیتیک برای این اتحادیه از سوی مسکو با وجود اعضای با هدف اولیه کسب منافع اقتصادی چندان آسان نخواهد بود. این درحالی است که روسیه برای تأسیس این اتحادیه هزینه‌های گزافی را متحمل شده و سیاست "اغوا از طریق کمک مالی" را پیش گرفته است. پرسش محوری مقاله حاضر این است که «هدف روسیه از پرداخت هزینه‌های گزاف برای ایجاد و گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌رغم بهره‌مندی اقتصادی بیشتر در صورت تأکید بر موافقت‌نامه‌های دوجانبه با دولت‌های پسا شوروی چیست؟» فرضیه به آزمون گذاشته شده در چارچوب نظریه منطقه‌گرایی جدید این بوده است که «اگرچه هدف اولیه روسیه از ایجاد و گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تقویت جبهه‌ای ژئوپلیتیک در برابر غرب در مرزهای اتحادیه اروپا به بهای پرداخت هزینه‌های گزاف به‌منظور دوری آنها از غرب است، اما از مزایای انسجام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هویتی درازمدت این اتحادیه در فضای پسا شوروی نیز غافل نیست». مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش علی استفاده شده و روابط علت و معلولی میان متغیرهای مقاله تبیین گردیده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اقتصادی اوراسیا، روسیه، بحران اوکراین و منطقه‌گرایی جدید.

^۱ نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

Email: ghafarzarei@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

Email: s.abbasi2216@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۲۷ و تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۲

مقدمه

پدیده منطقه‌ای شدن^۱ یکی از ویژگی‌های معروف و مهم روابط بین‌الملل در عصر معاصر به‌شمار می‌آید (Kembayev, 2016:158). اتحادیه اروپا را می‌توان بزرگ‌ترین نمونه همگرایی منطقه‌ای فراملی در دوران معاصر به‌شمار آورد، فرآیندی که طی آن بخش گسترده‌ای از قاره اروپا گرد هم آمدند و نهادها، رژیم‌ها، ساختارها، قوانین، مرزها و محاکم مشترک تأسیس کردند. به همین جهت نیز الگوی اتحادیه اروپا برای دیگر طرح‌های همگرایی منطقه‌ای در سراسر جهان الهام‌بخش بوده است؛ از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲ که در سال ۲۰۱۵ به رهبری روسیه ظهور یافت.

آشکار گفته‌شده و مورد تأکید قرار گرفته است که این اتحادیه تا حدی به دنبال رقابت و هم‌چشمی با اتحادیه اروپا در فضای پساشوروی است و از موفقیت‌ها و اشتباهات آن درس می‌گیرد (Karliuk, 2017:50). بنابراین اتحادیه اقتصادی اوراسیا که با تکیه بر تجارب مجمع اقتصادی اوراسیا^۳ (۲۰۰۰)، اتحادیه کمرگی^۴ (۲۰۱۰) و فضای مشترک اقتصادی^۵ (۲۰۱۲) تشکیل شده است را می‌توان ساختاری موازی در مرزهای اتحادیه اروپا در نظر گرفت که ظاهراً در برخی ابعاد بازتاب‌کننده اهدافی مشابه با آن است.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان از بازگشت مسکو به شرق دارد و نخستین تلاش نسبتاً موفقیت‌آمیز این کشور در جهت تأسیس نهادهای چندجانبه قوی برای همگرایی منطقه‌ای پساشوروی به‌شمار می‌آید. اتحادیه اقتصادی اوراسیا رسماً در اول ژانویه ۲۰۱۵ بر پایه پیمانی بنا نهاده شد که در ۲۹ می ۲۰۱۴ از سوی رهبران روسیه، قزاقستان و بلاروس امضا شده بود. ارمنستان و قرقیزستان نیز در سال ۲۰۱۵ به این اتحادیه ملحق شدند (Fassi and Zotti, 2018:41-42).

شواهدی مبنی بر موفقیت این اتحادیه از نظر فراملی‌گرایی در مقایسه با دیگر طرح‌های همگرایی پساشوروی وجود دارد که بیشتر مبتنی بر به رسمیت شناخته شدن برابری حقوقی همه دولت‌های عضو این اتحادیه است (Dragneva & Wolczuk, 2017:4; Vinokurov, 2017:65). علاوه بر

¹ Regionalization

² Eurasian Economic Union

³ Eurasian Economic Community

⁴ Customs Union

⁵ Common Economic Space

این، اتحادیه اقتصادی اوراسیا در انعقاد موافقت‌نامه‌های اقتصادی و تجارت آزاد با دیگر کشورها از جمله چین (Shuiyu and Nan, 2018) و ایران (خبرگزاری ایرنا، ۱۵ آذر ۱۳۹۷) موفق ظاهر شده است.

ماهیت این سازمان جدید، اهداف روسیه از تشکیل آن و تأثیر واقعی و بالقوه‌ای که می‌تواند بر نظم منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد، کماکان موضوع بحث در بسیاری از محافل سیاسی و دانشگاهی جهان است. با این‌همه، عمده این مباحث در یک نکته مشترک هستند و آن اینکه، طرح نهادی این اتحادیه به طور عمده به‌عنوان خروجی مجموعه مصالحات غیرمنتظره میان اعضای مؤسس توصیف شده است (Czerewacz-Filipowicz and Konopelko, 2017:43). همچنین این پرسش به تکرار مطرح شده است که چرا رهبری روسیه به تأسیس و گسترش سازمانی علاقه نشان داد که وضعیتی برابر به همه دولت‌های عضو اعطا می‌نماید در حالی که دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مقایسه با روسیه از هر جهت کوچک‌تر هستند و تا پیش از تأسیس این اتحادیه به‌شکلی نامتقارن به پیوندهای اقتصادی با روسیه وابسته بودند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دوجانبه‌سازی روابط اصل مهم سیاست خارجی روسیه در قبال دولت‌های پسا شوروی و همسایگان اروپایی آن بوده است. بنابراین به‌طور کلی واضح نیست که چرا روسیه به یک‌باره بر سر ایجاد نهاد قدرت‌مند چندجانبه جدیدی در فضای پسا شوروی توافق کرده است در حالی که می‌توانست از طریق چانه‌زنی‌های دوجانبه با طرفین ضعیف‌تر به توافقات بسیار بهتری دست‌یابد. روسیه به‌عنوان قدرت در حال رشد و قوی‌ترین دولت در اوراسیا احتمالاً از چانه‌زنی‌های دوجانبه به‌نسبت موافقت‌های چندجانبه در منطقه منفعت بیشتری می‌برد.

همکاری دوجانبه نزدیک با روسیه همچنین انتخاب ارجح شرکای روسیه در فضای پسا شوروی است. رهبران دیگر ملت‌های پسا شوروی به مسکو اعتماد ندارند و مایل به تبدیل حاکمیت ملی خود به پروژه‌های همگرایی تحت تسلط روسیه نیستند. با وجود این، ویژگی‌های منحصربه‌فرد توافق چندجانبه اتحادیه اقتصادی اوراسیا به دولت‌های کوچک‌تر عضو فرصتی اعطا نمود تا در معاملات دوجانبه با روسیه از امتیازات بیشتری برخوردار شوند. به‌همین جهت می‌توان ادعا نمود که ایجاد شکل جدیدی از روابط چندجانبه در قالب اتحادیه اقتصادی اوراسیا از قدرت نسبی روسیه در برابر دیگر دولت‌های عضو خواهد کاست.

کرملین با تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا از راهبرد دوجانبه‌سازی روابط با ملت‌ها پساشوروی دور شده است درحالی‌که می‌داند چنین اتحادیه‌ای نمی‌تواند، برتری سیاسی و اقتصادی روسیه را در این منطقه دست‌کم به‌نسبت آنچه که از طریق توافقات دوجانبه قابل حصول است، فزایش دهد. تشکیل این اتحادیه برای روسیه به‌دلیل اجبار مسکو در اتخاذ سیاست "اغوا از طریق کمک مالی"^۱ هزینه‌بر بوده است (Kinyakin, 2016a:468). درواقع، دیگر اعضا تنها در صورت دریافت امتیازات اساسی از روسیه حاضر به ورود به این اتحادیه شدند. حفظ این اتحادیه نیز روسیه را ملزم به توافقات بیشتر و یارانه‌های اقتصادی بی‌پایان می‌کند. درعین‌حال، دولت‌های پساشوروی با عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا فرصت اقدام مستقل‌تر از روسیه و حتی باج‌گیری از این کشور با تهدید به ترک این اتحادیه را کسب کرده‌اند (Busygina and Filippov, 2018:2-3).

بنابراین کماکان این پرسش مطرح است که چرا روسیه چنین تصمیم پرهزینه‌ای را اتخاذ کرده است؟ به‌نظر می‌رسد که پاسخ به این پرسش را باید در دستاوردهای ژئوپلیتیک گسترده‌ای که اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند برای روسیه به ارمغان آورد جستجو نمود. درواقع، کرملین منافع اولیه خود را در ابعاد اقتصادی این همگرایی نمی‌بیند، بلکه با تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌دنبال افزایش اعتبار سیاسی و وزن ژئوپلیتیک روسیه در امور جهانی است. اما اینکه چرا روسیه به یک‌باره در ابتدای سال ۲۰۱۴ بر عملیاتی‌شدن این ایده اصرار ورزید و بهای اقتصادی سنگینی برای آن پرداخت نمود را نیز باید در تحولات ژئوپلیتیک میان روسیه و غرب جستجو نمود.

بروز بحران اوکراین در بهار ۲۰۱۴ محرک اصلی عبور روسیه از خط‌مشی سودمند دوجانبه‌گرایی در مناسبات با کشورهای پساکمونستی و پذیرش توافقات نهادی لازم از سوی این کشور برای آغاز اتحادیه اقتصادی اوراسیا محسوب می‌شود. ولادیمیر پوتین پس از الحاق کریمه و چالش با غرب نیازمند توسل به ابزاری بود تا وجهه ژئوپلیتیک روسیه را در برابر مخاطبان داخلی و بین‌المللی در مواجهه با انزوای بین‌المللی و رکود اقتصادی حفظ نماید. این وضعیت به رهبران قزاقستان و بلاروس -کشورهایی با بیشترین مشارکت در طرح‌های همگرایی روسیه‌محور در فضای پساشوروی- شانس بهره‌برداری از ضعف روسیه را داد و به‌عنوان اعضای مؤسس اتحادیه اقتصادی اوراسیا از مزایای زیادی برخوردار شدند. به این

^۱. Luring by Subsidizing

ترتیب، مسکو برای اعلام موفقیت سریع در تأسیس نهادی هم‌مرز با اتحادیه اروپا در چالش ژئوپلیتیک با غرب متعاقب بحران اوکراین بهای قابل ملاحظه‌ای پرداخت کرد. با این اوصاف، مقاله حاضر حول یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش شکل گرفته است که «هدف روسیه از پرداخت هزینه‌های گزاف برای ایجاد و گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌رغم بهره‌مندی اقتصادی بیشتر در صورت تأکید بر موافقت‌نامه‌های دوجانبه با دولت‌های پسا شوروی چیست؟» بحث در خصوص این پرسش به‌خوبی در چارچوب نظریه منطقه‌گرایی جدید^۱ که از سوی بیوردن هتنه^۲ تدوین شده‌است، جای می‌گیرد. این نظریه علاوه بر توجه به ابعاد نسل قدیم همگرایی منطقه‌ای که به طور عمده حول مزایای اقتصادی متمرکز است، بر ابعاد سیاسی و اجتماعی منطقه‌گرایی و اهداف ژئوپلیتیک و معطوف به توسعه دولت‌ها نیز طی فرآیند همگرایی تأکید دارد و درعین حال در بستر تحمیلی اقتصاد در برابر ژئوپلیتیک نیز محدود نمی‌شود.

از این‌رو، فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش محوری مقاله به آزمون گذاشته این است که «اگرچه هدف اولیه روسیه از ایجاد و گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تقویت جبهه‌های ژئوپلیتیکی در برابر غرب در مرزهای اتحادیه اروپا به بهای پرداخت هزینه‌های گزاف به‌منظور دوری آنها از غرب است، اما از مزایای انسجام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هویتی درازمدت این اتحادیه در فضای پسا شوروی نیز غافل نیست». مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش علی استفاده شده و روابط علت و معلولی میان متغیرهای مقاله تبیین گردیده است.

چارچوب نظری

اتحادیه اقتصادی اوراسیا نمونه‌ای از منطقه‌گرایی جدید در جهان رو به توسعه است و از این‌رو، اهداف روسیه از تأسیس و تقویت این نهاد از دریچه رویکرد منطقه‌گرایی جدید در نیل به اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و آمال ژئوپلیتیک بهتر درک می‌شود (Molchanov, 2016:8).

1. New Regionalism

2. Bjorn Hettne

منطقه‌گرایی جدید در واکنش به جهانی‌سازی نئولیبرال^۱ ظهور پیدا کرد و واکنشی سازوار در برابر آن به نمایش می‌گذارد. منطقه‌گرایی جدید با موج موافقت‌نامه‌های همکاری منطقه‌ای آغاز شد که برای طرف‌های بیرونی نه کاملاً بسته و نه کاملاً باز بودند و مسیر سومی را در عوض انتخاب بین "استراتژی‌های جایگزین واردات"^۲ یا "آزادسازی تجاری غیرتبعیضی"^۳ می‌گشود. منطقه‌گرایی جدید به‌لحاظ ماهیتی پساهاژمونیک بوده و واضح‌ترین جلوه از نظم جهانی مطلوب را نشان می‌دهد که ورای جهان تک‌قطبی تحمیلی از سوی ایالات متحده، به سمت "جهان مناطق"^۴ در فضای چندقطبی در حرکت است (Katzenstein, 2005:33).

منطقه‌گرایی جدید در واکنش به دشواری‌ها و موفقیت‌های جهانی‌شدن پا به عرصه گذاشته است. از یک‌طرف، واکنشی به دشواری‌های سازمان تجارت جهانی^۵ در حل‌وفصل مناقشات تجاری دیرینه بود و از سوی دیگر، پاسخی به موفقیت بازار واحد اروپا^۶ و مخالفت ایالات متحده با منطقه‌گرایی محسوب می‌شد. از این‌رو، منطقه‌گرایی جدید در واقع منطقه‌گرایی عصر جهانی است، ویژگی "دومین گذار بزرگ"^۷ اقتصاد جهانی سرمایه‌داری (Molchanov, 2018:12).

به گفته بیوردن هتنه، واضع نظریه منطقه‌گرایی جدید، منطقه‌گرایی جدید در بطن "جنبش دوتایی"^۸ کارل پولانی^۹ به‌منظور کنترل افراط جهانی‌شدن بازار ظاهر می‌شود. از این چشم‌انداز، نهاده‌سازی سازمان‌های همگرایی منطقه‌ای^{۱۰} در سراسر جهان در حقیقت واکنشی سیاسی است در برابر تهدیدی که سرمایه‌داری آنارشیک علیه ساختارهای تأسیس‌شده جامعه وارد می‌کند. منطقه‌گرایی جدید در تلاش برای مدیریت آشفتگی اجتماعی - که گسترش جهانی نیروهای بازار با خود می‌آورد - یکی از اشکال مقاومت در برابر نیروهای ویران‌گر سرمایه‌داری جهانی و نئولیبرالیسم محسوب می‌شود. بازگشت قدرت‌های تنظیمی دولت‌محور

¹. Neoliberal Globalization

². Import Substitution Strategies

³. Non-Discriminatory Trade Liberalization

⁴. World of Regions

⁵. World Trade Organization (WTO)

⁶. Single European Market (SEM)

⁷. Second Great Transformation

⁸. Double Movement

⁹. Karl Polanyi

¹⁰. Regional Integration Organizations (RIOs)

در سطح منطقه‌ای نه تنها بر "بازگشت سیاسی"^۱ دلالت دارد، بلکه همچنین وعده "بازگشت اجتماعی"^۲ و حتی "بازگشت اخلاقی"^۳ را با خود دارد (Hettne, 2003: 32-33). برداشت فوق در اصطلاحات عملی-سیاسی به این معنی است که جنبش‌های منطقه‌گرای جدید در سراسر جهان به همان اندازه که در مورد تجارت و توسعه دغدغه دارند در خصوص حفاظت از جوامع، هویت‌ها و فرهنگ‌ها نیز نگران هستند. همچنین، این مناطق نوظهور تنها به مثابه حوزه اقدام مجسم نمی‌شوند، بلکه خود در مقام بازیگر به‌شمار می‌آیند. از دریچه سازمان‌های همگرایی بین‌المللی، مناطق تنها همچون موجودیت‌هایی جغرافیایی بر روی نقشه نیستند، بلکه فضاهایی به لحاظ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برساخته به‌شمار می‌آیند (Higgott, 2016:7). البته هدف اولیه از ایجاد موافقت‌نامه‌های تجاری، توسعه اقتصادی است و قرار بر حصول فضاهای مشترک اقتصادی است. منطقه‌گرایی جدید جایی است که دولت معاصر تکاملی با جهای شدن در شرایط مذاکره‌شده با دیگر کشورهای هم‌سو تلاقی می‌یابد (Molchanov, 2018:13).

منشأ "جهان مناطق" معاصر را می‌توان در اوایل دوره پسا جنگ جهانی دوم جستجو کرد. در آن زمان کارل پولانی دریافت که «الگوی پایدار جدید امور جهانی یکی از نظام‌های منطقه‌ای است که با یکدیگر هم‌زیستی دارند» و اینکه منطقه‌گرایی «جایگزینی برای آرمان‌شهر^۴ وال استریت^۵» ارائه داده است. در خصوص روابط روسیه با همسایگان خود در فضای پس از جنگ جهانی دوم، وی عنوان داشته بود که «روسیه بیشترین توان خود را از منطقه‌گرایی می‌گیرد» و منطقه‌گرایی است که علاجی برای سه بیماری سیاسی واگیردار اروپای شرقی (ملی‌گرایی افراطی، حاکمیت‌های غیرمسئول و عدم همکاری اقتصادی) ارائه می‌دهد (Polanyi, 1945:87-88).

در عصر جدید نیز بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و تضعیف تدریجی منطقه یورو، جستجو برای الگوهای جایگزین همگرایی اقتصادی در سراسر جهان را باعث شد. این روند همچنین منطقه‌گرایی جدید در اوراسیا را تقویت کرد که سرگئی لاوروف^۶، وزیر امور خارجه

¹. Return of the Political

². Return of the Social

³. Return of the Moral

⁴. Utopia

⁵. Wall Street

⁶. Sergey Lavrov

روسیه در مقاله‌ای آن را ابزاری مؤثر برای مواجهه با تأثیرات منفی بحران مالی جهانی توصیف کرد (Lavrov, 2012:3). تلاش‌های همگرایی در فضای پساشوروی در راستا سنت منطقه‌گرایی باز با هدف مقابله با روندهای همگرایی در مناطق دیگر صورت نگرفته است که تازه‌ترین شاهد آن، تمایل روسیه برای هماهنگی فعالیت‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا با ابتکار "یک کمربند، یک راه"^۱ چین است (Svetlicinii, 2018:7). رهبران روسیه در فرصت‌های گوناگون تأکید کرده‌اند که مسکو به توسعه روابط فرامنطقه‌ای و هماهنگ‌سازی روندهای همگرایی بین اروپا، اوراسیا و آسیا پاسیفیک علاقه‌مند هستند.

منطقه‌گرایی جدید همچنین متمایز از همگرایی منطقه‌ای در اروپا توصیف شده است. به این معنی که منطقه‌گرایی دیگر به‌عنوان ابزاری محسوب نمی‌شود که در وهله نخست هدف از آن حمایت از سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه ملی است، بلکه خود به‌مثابه گزینه‌ای توسعه‌ای به‌شمار می‌آید که رقابت‌پذیری و الحاق مؤثر اقتصادها در اقتصاد بین‌المللی را ارتقا می‌بخشد (Abugattas, 2004:3). این هدف دقیقاً همان چیزی است که اقتصادهای روسیه، بلاروس و آسیای مرکزی به رهبری قزاقستان به دنبال حصول آن هستند. آنچه مسلم است، توسعه اقتصادی اوراسیا پایان کار محسوب نمی‌شود، بلکه تنها مرحله‌ای است در پیشرفت تکاملی منطقه‌ای از فضای منطقه‌ای از پیش موجود به سطح جامعه‌ای بین‌المللی، مجمعی منطقه‌ای در ایجاد حکومت نهادینه‌شده منطقه‌ای (Hettne, 2005:446).

از آنجایی که منطقه‌گرایی جدید به همان اندازه که در مورد همگرایی اقتصادی است در خصوص انسجام اجتماعی، فرهنگی و هویتی نیز هست، منازعه میان واقع‌گرایان روابط بین‌الملل و لیبرال‌های روابط بین‌الملل می‌تواند به‌سادگی از نکته اصلی نهفته در این رویکرد دور شود. به همین جهت نیز پرسش در خصوص ماهیت اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بستر تحمیلی اقتصاد در برابر ژئوپلیتیک جای نمی‌گیرد (Rivera and Garashchuk, 2016:91). در حالی که نیروهای محرک در برداشت‌های واقع‌گرایانه از اوراسیا نمی‌توانند به "نوستالژی استعماری"^۲ تقلیل یابند، رده‌بندی این نیروها تحت عنوان استراتژی ژئوپلیتیک "محتاطانه"^۳ برای ایجاد قدرت و ظرفیت‌ها نیز پیشرفت محسوب نمی‌شود. در عین حال،

^۱ . One Belt One Road (OBOR)

^۲ . Imperial Nostalgia

^۳ . Prudent

رویکرد منطقه‌گرایی جدید، با تمرکز بر ابعاد سیاسی و اجتماعی منطقه‌سازی علاوه بر تغییرات ذاتا اقتصادی به نظر می‌رسد که برای پرداختن به تجربه پیچیده دولت‌های پساکمونیسیم که بر مسیر کشف‌نشده سرمایه‌داری پسالیبرال غیرمتمرکز گام می‌گذارند مناسب باشد (Molchanov, 2018:14).

ساختارها و نهادهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا

بررسی ساختار نهادی و حقوقی اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای فهم هرچه بهتر اهداف اعلامی و واقعی مسکو از تأسیس آن ضروری است. در مقدمه پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اصول راهنمای این سازمان و علت وجودی آن به‌صراحت ذکر شده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت (GA, 2015:1-2):

- استناد به اصل برابری حاکمیت دولت‌ها، نیاز برای احترام بی‌قید و شرط به قواعد حقوق اساسی و آزادی‌ها فردی و ملی،
- تقویت انسجام و همکاری بین مردمان کشورهای عضو در عین احترام به تاریخ، فرهنگ و سنت‌های یکدیگر،
- شمول منافع ملی همه طرفین در روند توسعه بیشتر همگرایی اقتصادی اوراسیا،
- و اصرار بر تقویت اقتصاد دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و تضمین توسعه متوازن همگرایی و رشد پایدار آنها در فعالیت‌های دادوستد، تجارت متوازن و رقابت عادلانه،
- تضمین پیشرفت اقتصادی طی اقدامات مشترک با هدف حل‌وفصل مسایلی که دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در خصوص توسعه اقتصادی پایدار با آنها مواجهند،
- نوسازی جوامع و تقویت رقابت‌پذیری اقتصادهای ملی در چارچوب اقتصاد جهانی،
- تأکید بر تعهد کشورهای عضو به تقویت همکاری اقتصادی سودآور با دیگر کشورها، انجمن‌های همکاری بین‌المللی و دیگر نهادهای بین‌المللی،
- پیروی از قوانین، قواعد و اصول سازمان تجارت جهانی، تأکید بر تعهد، اهداف و اصول منشور ملل متحد و دیگر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل به‌لحاظ جهانی به‌رسمیت شناخته‌شده.

بند نخست ماده ۱ این پیمان نیز خاطر نشان ساخته است که «طرفین بدین‌وسیله اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تأسیس می‌نمایند که انتقال آزاد کالا، خدمات، سرمایه و کارگر را

در مرزهایشان و نیز سیاست مشترک مورد توافق یا هماهنگ شده در بخش‌های اقتصادی مشخص شده تحت این پیمان و پیمان‌های بین‌المللی در این اتحادیه را تضمین می‌کند. همچنین در بند دوم همین ماده، تأکید شده است که «این اتحادیه، سازمان بین‌المللی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای است و از شخصیت حقوقی بین‌المللی برخوردار است».

اصول اجرایی اتحادیه کمرگی نیز که هم‌زمان با لازم‌الاجرا شدن اتحادیه اقتصادی اوراسیا از سوی دولت‌های عضو این اتحادیه مورد پذیرش قرار گرفت در بخش ۶ (مواد ۲۹-۲۵) پیمان درج شده است. ماده ۲۵ خاطرنشان می‌سازد که «در اتحادیه کمرگی دولت‌های عضو ۱. بازاری داخلی برای کالاها باید وجود داشته باشد؛ ۲. تعرفه مشترک گمرکی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و دیگر تدابیر مشترک ناظر بر تجارت خارجی باید به طرف‌های ثالث اعمال شود؛ ۳. رژیم مشترک تجارت باید به روابط با طرف‌های سوم اعمال شود؛ ۴. مقررات گمرکی مشترک باید اعمال شود؛ ۵. انتقال آزاد کالا بین قلمرو دولت‌های عضو می‌بایست بدون استفاده از اظهارنامه کمرگی و کنترل دولتی (حمل و نقل، بهداشت، دامپزشکی و قرنطینه) تضمین شود به‌جز آنچه در این پیمان تعیین شده است».

ارکان این اتحادیه نیز در ماده ۸ (از بخش سوم) این پیمان مشخص شده است که شامل شورای عالی اقتصادی اوراسیا^۱، شورای بین‌حکومتی اوراسیا^۲، کمیسیون اقتصادی اوراسیا^۳ و دیوان اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۴ می‌شود.

ماده ۱۰ این پیمان طی دو بند خاطرنشان ساخته است که «شورای عالی رکن عالی این اتحادیه است» و «شورای عالی شامل سران دولت‌های عضو می‌شود». طبق ماده ۱۱، «نشست‌های شورای عالی دست‌کم یک‌بار در سال برگزار می‌شود». ماده ۱۲ مشخص می‌سازد که «شورای عالی موضوعات اصلی فعالیت‌های آتی اتحادیه را بررسی می‌کند، استراتژی، مسیرها و چشم‌اندازهای توسعه همگرایی را تعریف می‌کند و با هدف تحقق اهداف این اتحادیه تصمیم‌گذاری می‌کند». طبق بند دوم از ماده ۱۳، تصمیمات و تکالیف شورای عالی می‌بایست با اجماع مورد پذیرش قرار گیرد. گفته شده است که این اصل تصدیق حساسیت برخی دولت‌های عضو در دفاع از حاکمیت ملی خود است (Vicari, 2016:9).

¹. Supreme Eurasian Economic Council

². Eurasian Intergovernmental Council

³. Eurasian Economic Commission

⁴. Court of the Eurasian Economic Union

این دغدغه حتی تا انتخاب عنوان «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» نیز ادامه داشته است که منعکس‌کننده مفهوم این سازمان از نظر برخی دولت‌های عضو است. بخت جان ساگینتایف^۱، معاون وقت نخست‌وزیر قزاقستان و مذاکره‌کننده ارشد این کشور در زمان تأسیس این اتحادیه، خاطرنشان ساخته بود که «ما سازمانی سیاسی ایجاد نمی‌کنیم، ما اتحادیه‌ای صرفاً اقتصادی تأسیس می‌کنیم ... این اقدام ابزاری عمل‌گرایانه برای سودآوری است. ما در آنچه که روسیه به‌لحاظ سیاسی انجام می‌دهد دخالتی نمی‌کنیم و آنها نمی‌توانند به ما بگویند که چه نوع سیاست خارجی تعقیب کنیم» (MacFarquhar, 2014).

در ادامه نیز ماده ۱۴ خاطرنشان می‌سازد که «شورای بین‌حکومتی رکنی از این اتحادیه است که شامل سران حکومت‌ها دولت‌های عضو است.» طبق بند نخست از ماده ۱۵، «نشست‌های شورای بین‌حکومتی می‌بایست هر زمانی که لازم است اما دست‌کم دو بار در سال برگزار شود.» مسئولیت‌های این رکن شامل تحقق و کنترل این پیمان و نیز «پیمان‌های بین‌المللی در این اتحادیه و تصمیم‌های شورای عالی» می‌شود (بند یک از ماده ۱۶). علاوه بر این، شورای بین‌حکومتی می‌تواند «به پیشنهاد شورای کمیسیون هر موضوعی که برای آن طی تصمیم‌گیری در شورای کمیسیون اجماع حاصل نمی‌شود را بررسی کند» (بند دو از ماده ۱۶).

ماده ۱۸ خاطرنشان می‌سازد که این کمیسیون (کمیسیون اقتصادی اوراسیا) رکن حاکم دائمی این اتحادیه است. این کمیسیون شامل یک شورا و یک هیأت رئیسه است و این کمیسیون برخی تصمیمات، پیشنهادهای و مقررات را صادر می‌کند. "پیوست ۱" به این پیمان یادآور می‌شود که «اهداف اساسی این کمیسیون عملکرد و توسعه این اتحادیه را محقق می‌سازد و نیز پیشنهادهایی در حوزه همگرایی اقتصادی در این اتحادیه ارائه می‌دهد» (فصل نخست از پیوست ۱). بر اساس این پیمان، مقر این کمیسیون در مسکو است (بند چهارم از ماده ۱۸).

طبق این معاهده در صورت مناقشه میان نهادهای متعدد ذکر شده در بالا، تصمیمات شورای عالی اقتصادی بر تصمیمات شورای بین‌حکومتی و کمیسیون اقتصادی ارجحیت دارد، در حالی که تصمیمات شورای بین‌حکومتی بر تصمیمات کمیسیون اقتصادی مقدم است (بند چهارم از ماده ۶).

^۱. Bakytzhan Sagintayev

در خصوص دیوان این اتحادیه، بند نخست ماده ۱۹ اظهار می‌دارد که «دیوان این اتحادیه رکن قضایی دائم این اتحادیه است.» طبق بند ۲ فصل یکم از "پیوست ۲" به این پیمان، «هدف فعالیت‌های این دیوان تضمین اعمال واحد از سوی ارکان و دولت‌های عضو اتحادیه این پیمان، پیمان‌های بین‌المللی در این اتحادیه، پیمان‌های بین‌المللی این اتحادیه با طرف‌های ثالث و تصمیمات ارکان این اتحادیه است.» بندهای ۷ و ۸ فصل دوم از پیوست ۲ خاطرنشان می‌سازد که این دیوان شامل دو قاضی از هر دولت عضو است که هر کدام طی دوره‌ای ۹ ساله خدمت می‌کنند. طبق بند دهم همین فصل، «قضات از سوی شورای عالی اقتصادی اوراسیا به پیشنهاد دولت‌های عضو منصوب می‌شوند.» نخستین قضات این دیوان فعالیت خود را از اول ژانویه ۲۰۱۵ آغاز کرد و بر اساس بند سوم از ماده ۱۹ ماده این پیمان در مینسک^۱ بلاروس مستقر هستند.

بر اساس بند نخست ماده ۱۱۰ این پیمان «زبان روسی زبان کاری ارکان این اتحادیه است» و بند دوم این ماده خاطرنشان می‌سازد که «پیمان‌های بین‌المللی در این اتحادیه و تصمیمات کمیسیون که برای دولت‌های عضو لازم‌الاجرا هستند باید به زبان روسی تصویب شوند».

اتحادیه اقتصادی اوراسیا و چرخش مسکو به شرق

شکست مسکو در معرفی اوکراین به‌مثابه بخشی از طرح همگرایی اقتصادی اوراسیا، صدمه‌ای جدی برای آمال سیاست خارجی پوتین محسوب می‌شود. در هر حال با وجود چرخش اوکراین به غرب، روسیه به تلاش‌های همگرایی در فضای پسا شوروی ادامه داده است که تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۵ از پیامدهای آن به‌شمار می‌آید. عملکرد اقتصادی این اتحادیه تا به امروز نسبتاً پایین بوده است و این سازمان تا رسیدن به هدف تشکیل بازار داخلی به سبک اتحادیه اروپا با انتقال آزاد کالا، خدمات، مردم و سرمایه راه درازی در پیش دارد. اما این سازمان در برخی بخش‌ها دستاوردهای محسوسی داشته و آمال بسیاری برای آینده آن تدارک دیده شده است.

^۱. Minsk

اتحادیه اقتصادی اوراسیا از لحاظ جغرافیایی نیز رو به گسترش بوده است. علاوه بر الحاق قرقیزستان و ارمنستان در سال ۲۰۱۵، مولداوی^۱ در می ۲۰۱۸ به‌عنوان عضو ناظر به این اتحادیه پیوست (EEC, 14 May 2018) و چند کشور دیگر همچون تاجیکستان، ازبکستان و ویتنام نیز ممکن است در مقام عضو ناظر یا حتی دائم اتحادیه اقتصادی اوراسیا پذیرفته شوند (Putz, 2018). اتحادیه اقتصادی اوراسیا از آن جهت که با موفقیت با برخی کشورهای دیگر همچون چین مذاکرات تجارت آزاد را انجام داده (Shuiyu and Nan, 2018) نیز از وجهه بین‌المللی مناسبی برخوردار است. به همین جهت نیز برخی تحلیلگران بر این باور هستند که این اتحادیه به‌رغم دشواری‌های سیاسی، ژئوپلیتیک و اقتصادی کنونی همچنان پابرجاست و اروپا باید مطابق آن رفتار کند. در غیر این صورت با روی آوردن روسیه و کل اوراسیا به شرق، اروپا فرصت مهمی را از دست خواهد داد (Perovic, 2018:1).

روسیه در فضای پساشوروی دست‌کم برای یک دهه به‌دنبال روابط نزدیک‌تر با اقمار شوروی سابق نبود. این کشور طی دهه ۹۰ میلادی، اگرچه به‌لحاظ اقتصادی در موضع ضعف قرار داشت، اما همسایگان آن ضعیف‌تر بودند و بنابراین مسکو قادر بود برای تأثیرگذاری بر تحولات در همسایگی خود کماکان بر وزن نظامی، سیاسی و اقتصادی خود تکیه کند. تنها با شروع هزاره جدید میلادی بود که جایگاه روسیه در این منطقه رو به بی‌ثباتی گذاشت، یعنی زمانی که دولت‌ها و سازمان‌های غربی شروع به تاخت‌وتاز در این منطقه کردند. در همین اثنا بود که دولت‌های بالتیک در سال ۲۰۰۴ به عضویت ناتو درآمدند، اتحادیه اروپا به‌طور جدی وارد فضای کشورهای پساکمونیسیتی شد، نخستین خطوط نفت و گاز واقع در کشورهای پیرامون روسیه به کمک شرکت‌های خارجی ساخته شد و از سمت شرق نیز چین به‌لحاظ اقتصادی یا به عرصه بازی در آسیای مرکزی گذاشت.

تصمیم روسیه مبنی بر همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در دوران ریاست‌جمهوری پوتین در واقع، واکنشی به این روندها بود. بنابراین واضح است که آمال رهبری روسیه برای همگرایی منطقه‌ای بسیار فراتر از کسب مزایای اقتصادی است. منافع اولیه روسیه تا با امروز در وجه اقتصادی این همگرایی نبوده است؛ به‌گونه‌ای که تجارت با دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی ماه‌های ژانویه تا سپتامبر ۲۰۱۸ تنها ۸٫۵ درصد از کل تجارت جهانی روسیه را شامل شده (EEC, 21 November 2019:47) است. این سهم،

^۱. Moldova

اگرچه طی مدت زمانی که از تأسیس این اتحادیه می‌گذرد در مجموع رو به افزایش بوده اما هیچ‌گاه چشم‌گیر نبوده است. این میزان در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۰ به ترتیب ۹ و ۷٫۳ درصد بوده است (EEC, 21 November 2019: 47; Vinokurov, 2017:62).

در مقابل، اتحادیه اقتصادی اوراسیا دستاوردهای ژئوپلیتیک گسترده‌ای برای روسیه با خود به همراه دارد. روسیه با تأسیس این اتحادیه به دنبال افزایش اعتبار سیاسی خود در امور جهانی بوده است. اگرچه به‌طور کلی با تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا تعرفه‌ها به‌طور چشم‌گیری برای دولت‌های غیر عضو و بنابراین حمایت از تولیدات منطقه‌ای افزایش یافته است اما از نقطه‌نظر مسکو، ایجاد این سازمان منطقه‌ای در حدی نیست که جهانی‌سازی را فروبریزد. در مقابل از نظر روسیه ایجاد سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای می‌بایست تجارت جهانی و وابستگی متقابل را تسهیل نمایند.

این هدف با دیگر هدف مهم سیاست خارجی روسیه، یعنی تأسیس این اتحادیه به‌مثابه زنجیره‌ای همگرا بین اروپا و آسیا در یک راستا قرار می‌گیرد. طرح‌های حمل‌ونقل همچون ایجاد راه‌آهن پرسرعت در رأس این دستورکار قرار دارند و روسیه امیدوار است که اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به‌عنوان یک شریک در ابتکار یک کمربند، یک راه چین وارد کند (Svetlicinii, 2018:7). در همین راستا، اتحادیه اقتصادی اوراسیا در می ۲۰۱۸ نخستین موافقت‌نامه مهم اقتصادی و تجاری را با چین به امضا رساند که می‌تواند گام مهمی به‌سوی موافقت‌نامه تجارت آزاد محسوب شود (Shuiyu and Nan, 2018). این اتحادیه همچنین موافقت‌نامه موقتی در می ۲۰۱۸ با ایران به امضا رساند که هدف از آن ایجاد منطقه تجارت آزاد کامل در آینده نزدیک است (خبرگزاری ایرنا، ۱۵ آذر ۱۳۹۷). اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌لحاظ بین‌المللی با کشورهای واقع در دیگر مناطق نیز فعالیت دارد. این اتحادیه در سال ۲۰۱۶ با ویتنام قرارداد تجارت آزاد به امضا رساند (EEC, 16 August 2016) و هم‌اکنون در حال مذاکره برای قراردادهای تجارت آزاد و اقتصادی با هند، سنگاپور، مصر و سرستان است (EEC, 23 November 2016). برخی از دیگر کشورها همچون پاکستان، بنگلادش، کامبوج، اندونزی، فیلیپین، کره جنوبی، تایلند، تونس، مغولستان و سوریه نیز علاقه‌مند به همکاری با این اتحادیه هستند (Perovic, 2018:2).

آمال ژئوپلیتیک در برابر اهداف ژئواکونومی

اگر هدف روسیه از تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌لحاظ ماهیت بیشتر ژئوپلیتیک بوده است، اما دیگر دولت‌ها با ترکیبی از ملاحظات اقتصادی، سیاسی و امنیتی به این اتحادیه پیوسته‌اند.

برای قزاقستان و بلاروس و نیز قرقیزستان، اتحادیه اقتصادی اوراسیا طرحی اقتصادی است که هدف از آن تا حد زیادی تسهیل همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری در فضای پسا شوروی و در وهله نخست با خود روسیه است. بنابراین رویکرد دولت‌های کوچک‌تر عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا را می‌توان ذیل رویکرد ژئواکونومی توصیف کرد، اما روسیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا را ابزار الزام نهادی فضای پسا شوروی به‌دلایل بیشتر سیاسی قلمداد می‌کند. از این‌رو، رویکرد روسیه در قبال این اتحادیه را می‌توان ژئوپلیتیک دانست که هدف اصلی همگرایی دوباره و گسترده در فضای پسا شوروی به‌مثابه یک موجودیت واحد را دنبال می‌کند.

رویکرد روسیه در قبال اتحادیه اقتصادی اوراسیا که بیشتر به‌شکل آمال نئواستعماری با مأموریت یکپارچه‌سازی قلمروها در فضای پسا شوروی نمایان می‌شود، در حقیقت با مشخصه‌های منافع ژئواستراتژیک روسیه مبتنی بر اصل "حیاط خلوت امن"^۱ با ایجاد نهادهای همگرایی مختلف حتی در صورتی که کارایی آنها مورد شک باشد- در یک راستا قرار می‌گیرد. این اظهار را می‌توان با تلاش‌های روسیه در تعقیب سیاست اغوای دولت‌های پسا شوروی در پیوستن به چنین نهادهایی از طریق ارائه کمک‌های مالی به‌خوبی نشان داد. این واقعیت نه‌تنها در مورد دولت‌های قدیمی عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نیز تازه‌واردان به این اتحادیه که حتی در خصوص کشورهای مورد در پیوستن به آن نیز صادق است (Kinyakin, 2016a:467-468).

دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا همگی از جهت اقتصادی برای پیوستن به این اتحادیه از سوی مسکو منتفع شده‌اند. ارمنستان که پیمان الحاق به این اتحادیه را در اکتبر ۲۰۱۴ امضا کرد و در ژانویه ۲۰۱۵ به عضویت کامل آن درآمد، انگیزه‌اش نه‌تنها نیل به اهداف ژئوپلیتیک (نیاز به اتحاد نظامی با روسیه در شرایط خصم با جمهوری آذربایجان)، بلکه همچنین کسب منافع اقتصادی بوده است. در همین راستا نیز این جمهوری قفقاز جنوبی توانست نه‌تنها تخفیف‌های کلانی طی مذاکره بر سر واردات گاز طبیعی از روسیه

^۱. Safe Backyard

به دست آورد، بلکه همچنین قول سرمایه‌گذاری‌های هنگفت مسکو در زیرساخت‌های خود را نیز گرفت (Malle, 2016: 119; Aysor, 2013).

تخفیفات گاز که مقامات ارمنستان اندکی پس از پیوست رسمی دریافت کردند در واقع، پاداش نامرئی مسکو به ایروان برای پیوست به این اتحادیه و نیز امتناع از امضای موافقت‌نامه مشارکت با اتحادیه اروپا بود (Popescu, 2014:23). تطمیع از طریق یارانه‌های سیاسی شده برای پیوستن کشورهای پسا کمونیستی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا نخستین بار در مناسبات میان روسیه و بلاروس آشکار شد. الکساندر لوکاشنکو^۱، رئیس‌جمهور بلاروس نه تنها توانست در جریان مذاکرات بر سر تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا با چانه‌زنی تخفیف‌های هنگفتی برای واردات منابع هیدروکربن از روسیه کسب کند (به‌ویژه برای واردات نفت روسیه که از طریق پالایش‌گاه‌های مستقر در بلاروس تسویه و به اتحادیه اروپا صادر می‌شد)، بلکه اعتبار اقتصاد مشکل‌دار بلاروس را نیز با کمک‌های مسکو تثبیت نمود (Kinyakin, 2016b:56).

علاوه بر این، بلاروس به دلیل موقعیت جغرافیایی خود (قرابت با اتحادیه اروپا و شریک اصلی تجاری برای اکثر دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا) قادر است با صادرات دوباره کالاها (به طور عمده اروپایی) به بازار دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا درآمدهای مازاد داشته باشد که البته برای همگرایی اوراسیا نیز سودمند است (به‌ویژه با توجه به وضعیت تحریم‌ها علیه روسیه).

اما وخیم‌شدن وضعیت اقتصادی در روسیه در سال ۲۰۱۳ و نیز تغییر در سیستم وضع مالیات روسیه (معرفی آنچه که در ارتباط با صادرات هیدروکربن، به اصطلاح "مانور مالیاتی"^۲ خوانده شد)، امکان ارائه یارانه‌های مازاد را برای اقتصاد روسیه به مخاطره انداخت. در حالی که بلاروس به شدت به واردات انرژی ارزان از روسیه که یکی از منابع اصلی درآمد این کشور محسوب می‌شود، وابسته است. با این همه، هزینه‌های سالانه سیاست روسیه مبنی بر "انگوا از طریق کمک مالی" برای جذب کشورهای پسا کمونیستی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای این کشور چشم‌گیر نیست و به عنوان مثال برای بلاروس تنها در مورد منابع انرژی حدود ۵ الی ۷ میلیارد دلار آمریکا یا حدود ۰,۳ الی ۰,۴ مجموع تولید ناخالص داخلی بوده است (Kinyakin, 2016a:468).

^۱. Alexander Lukashenka

^۲. Tax Maneuver

روسیه در عوض یارانه‌ای کردن اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نه تنها پذیرش وضعیت خود به‌عنوان شریک ارشد، بلکه همچنین تعیین پیش‌شرط‌ها و دستورکار این اتحادیه شامل موضوع استمرار همگرایی تا تبدیل آن به اتحادیه‌ای سیاسی را خواستار شده است. اما نه تنها بلاروس که دیگر اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز از تلاش‌های پیوسته روسیه برای تبدیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا به طرحی سیاسی خوشنود نبوده و مایل به همراهی با مسکو در این خصوص نیستند. معرفی پول واحد برای اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز از دیگر نقاط مورد اختلاف روسیه با دیگر کشورهای عضو به‌شمار می‌آید (Aleksenkova, 2018). این اختلافات تا جایی پیش رفت که مینسک از خروج احتمالی از این اتحادیه در صورت سلطه دستورکار سیاسی بر آن خبر داد، تنشی که البته پس از آنکه دولت بلاروس توانست قرارداد واردات نفت بدون تعرفه از روسیه را تا سال ۲۰۲۵ تمدید نماید کاهش یافت (The Moscow Times, 15 March 2017; Sputnik News, 10 October 2016).

یارانه‌های مبتنی بر انگیزه سیاسی که به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی نفوذ روسیه بر اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا از سوی مسکو مورد استفاده قرار می‌گیرد، در عین حال، منبع توسعه اعضای کوچک‌تر اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز به‌شمار می‌رود. با این‌همه، سیاست مزبور به‌دلیل رکود اقتصادی در روسیه و نیز مخاطرات ژئوپلیتیک و سیاسی متعاقب آن نتوانست برای مدت طولانی تضمین شود. کمک‌های سیاسی از این دست نه تنها آسیب‌پذیری اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به‌دلیل وابستگی اعضا به روسیه افزایش می‌دهد، بلکه همچنین می‌تواند توسعه پایدار این اتحادیه را با ایجاد اعتیاد اعضا به کمک‌های روسیه و احتمال توسل به باج‌گیری را شدیداً به‌مخاطره اندازد و تلاش‌ها برای آغاز طرح اوراسیا را ناکام گذارد.

موضوع دوام اتحادیه اقتصادی اوراسیا همراه با تناقض منافع میان دولت‌های عضو به‌دلیل وجود آمال و چشم‌اندازهای مختلف (ژئوپلیتیک در برابر ژئواکونومی) و نیز تصور منفی از این اتحادیه در نتیجه بحران اوکراین، جذابیت چندانی برای پیوستن به این اتحادیه باقی نگذاشته است. رکود اقتصادی در روسیه نیز عدم کارآیی سیاست اغوا از طریق کمک‌های اقتصادی را در پی داشته است. علاوه بر این با سنجش و مقایسه عوامل مثبت و منفی در ساختار اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌توان بر سنگینی عوامل منفی نسبت به عوامل مثبت اذعان نمود.

به همین جهت حتی با وجود عوامل مثبتی همچون موقعیت ژئواستراتژیک واحد، قرابت فرهنگی و تاریخی، سرمایه انسانی و نیز ظرفیت‌های اقتصادی بالا، خطر عمده در حال حاضر جذابیت رو به کاهش اتحادیه اقتصادی اوراسیا به دلیل شرایط سخت سیاسی (هم به لحاظ داخلی و هم به لحاظ بیرونی) و نزول اقتصادی در روسیه است، کشوری که نه تنها سرمایه‌گذار عمده، بلکه همچنین بزرگترین بازار در اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌شمار می‌آید. زوال وضعیت اقتصادی در روسیه نه تنها با توجه به وابستگی متقابل زیاد بر اقتصاد دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا تأثیر عمده داشته است، بلکه تأثیر مخرب دومینویی در کاهش ارزش پول ملی برخی کشورهای عضو از جمله بلاروس و قزاقستان داشت (Kinyakin, 2016a:470).

افول سیاست روسیه مبنی بر اغوا از طریق یارانه، دولت‌های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا را وادار ساخت که نه تنها به دنبال منابع مالی در جاهای دیگر باشند (درخواست بلاروس در نوامبر ۲۰۱۵ از صندوق بین‌المللی پول^۱ برای اعتبارات ایجاد ثبات و دریافت اعتبار تثبیت‌شده ۳ میلیارد دلاری از سوی قرقیزستان)، بلکه به ناکارآمدی اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز دامن زده است (Kudritski, 2015).

طبق داده‌های کمیسیون اقتصادی اوراسیا، حجم تجارت دوجانبه در داخل اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی سال‌های ۲۰۱۲ الی ۲۰۱۶ همواره رو به کاهش بوده است (جدول شماره ۱). کاهش در حجم تجارت درونی میان اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا با کاهش مجموع سهم کشورهای عضو در تجارت با سایر کشورهای غیرعضو هم‌خوانی ندارد و برعکس این سهم از تجارت دوجانبه به‌طور چشم‌گیری افزایش نشان می‌دهد.

^۱ . International Monetary Fund (IMF)

جدول شماره ۱. حجم تجارت داخلی میان کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا
۲۰۱۰-۲۰۱۸ (بر حسب میلیارد دلار)

سال	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۹ ماه نخست ۲۰۱۸
حجم	۴۷,۱	۶۳,۱	۶۷,۸	۶۴,۵	۵۷,۴	۴۵,۶	۴۲,۹	۵۴,۷	۴۴,۲

Source:(EEC, 23 November 2016: 4&47; EEC, 29 May 2015:2)

نکته حائز اهمیت دیگر، سهم قابل توجه صادرات مواد خام در مجموع حجم تجاری کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌ویژه در تجارت با کشورهای غیر عضو است. از این‌رو، مخاطرات اقتصادی روزافزون در کنار الگوی اقتصادی مسلط «صادرات مواد خام»، اتحادیه اقتصادی اوراسیا را از بعد وضعیت سیاسی به‌لحاظ موضع برخی دولت‌های عضو آسیب‌پذیر می‌سازد که کمترین آن، وابستگی به بازارهای کالا و مالی جهانی است. بنابراین، با توجه به پیوستگی بدخیم بازارهای جهانی و نیز افزایش مخاطرات ژئوپلیتیک (ادامه تحریم‌ها علیه روسیه)، چشم‌اندازهای میان‌مدت اقتصادی برای اتحادیه اقتصادی اوراسیا چندان روشن نیست. این موضوع می‌تواند اساساً از جذابیت این ساختار نه‌تنها برای تازه‌واردن بالقوه، بلکه مهم‌تر از آن برای اعضای فعلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا بکاهد. با این‌همه، غالبه عوامل منفی به این معنی نیست که اتحادیه اقتصادی اوراسیا لزوماً نمی‌تواند از پس این وضعیت برآید و خود را به‌عنوان ساختار قوی اقتصادی در منطقه اورسیا با ظرفیت ایجاد ارتباطات و همکاری با دیگر بازیگران به اثبات برساند. این امکان در حال حاضر بیش از همه با چین و برخی همسایگان شرقی این اتحادیه فراهم است، اما همچنین در رابطه با اتحادیه اروپا نیز می‌تواند صادق باشد، نهادی که نه‌تنها الگویی برای اتحادیه اقتصادی اوراسیا است، بلکه نزدیک‌ترین همسایه، شریک چشم‌انداز و رقیب عمده‌اش نیز به‌شمار می‌آید.

نقش حساس اوکراین

در آغاز این‌گونه به‌نظر می‌رسید که اگر قرار است روسیه به آمال جهانی خود دست یابد، مشارکت اوکراین در اتحادیه اقتصادی اوراسیا غیرقابل اغماض خواهد بود. به‌مثابه پیش‌نیازی برای جذب اوکراین در سازمانی به رهبری مسکو، تلاش روسیه در دوره

ریاست جمهوری ویکتور یانوکویچ^۱ (۲۰۱۰-۲۰۱۴) بر منصرف ساختن این کشور از انعقاد موافقت نامه مشارکت با اتحادیه اروپا متمرکز بود.

تلاش مسکو در این راستا بی ثمر نبود و زمانی که اقتصاد اوکراین در اواخر سال ۲۰۱۳ رو به افول بود، یانوکویچ با پیشنهاد قیمت های پایین انرژی و بسته تشویق مالی از سوی روسیه اغوا و در نتیجه امضای موافقت نامه مشارکت اوکراین با اتحادیه اروپا منتفی شد (Traynor and Grytsenko, 2013). این بازگشت از غرب و چرخش به سوی روسیه، اعتراضات شدیدی را در شهرهای گوناگون اوکراین به همراه داشت که به سمت قیامی علیه رژیم پیشرفت و به فروپاشی کابینه یانکوویچ و فرار وی به روسیه منجر شد (BBC, 30 November 2013).

هنگامی که کابینه جدید اوکراین پیوندهای نزدیک تری با اتحادیه اروپا برقرار ساخت و دستاوردهای پیشین روسیه در این کشور را زیر پا گذاشت، مسکو تدابیر تنبیهی متقابلی را علیه کیف به کار گرفت که شدیدترین آنها الحاق کریمه به روسیه، توسل به جنگ محدود در منطقه دنباس^۲ و تحریم های اقتصادی متنوع علیه اوکراین بود (Schmidt-Felzmann, 2014:48).

ناکامی روسیه در تضمین عضویت اوکراین در اتحادیه اقتصادی اوراسیا آمال مسکو را برای این سازمان به باد داد. این واقعه همچنین برای خود سازمان نیز فاجعه ای بزرگ محسوب می شد چراکه این عقب نشینی تمایلات هژمونیک روسیه را تشدید کرد، موضوعی که حساسیت های دیگر اعضا را در خصوص حاکمیت خود بیشتر می کرد. کاملاً قابل درک است که این دسته از دولت های عضو به منظور انتفاع هرچه بیشتر از مزایای اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا مایل به حفظ فاصله از مواجهه ژئوپلیتیک روسیه با غرب هستند. الحاق کریمه به روسیه از سوی دولت های عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا آشکارا به چالش کشیده نشد، اما توضیح روسیه در خصوص آن نیز مورد پذیرش آنها واقع نشد. حتی روایت مسکو از تعهدش به حمایت از نژد روس در شرق اوکراین، کشورهای دارای اقلیت قابل توجه روس همچون قزاقستان را شدیداً مغشوش ساخت. نورسلطان نظربایف^۳

1. Viktor Yanukovich

2. Donbass

3. Nursultan Nazarbayev

رئیس‌جمهور این کشور پس از الحاق کریمه به روسیه خاطرنشان ساخت «تا آنجا که به استقلال ما مربوط می‌شود این استقلال همیشگی خواهد بود. واضح است که قزاقستان تسلیم کسی نمی‌شود» (Petrov and Van Elsuwege, 2017:205).

به دنبال صحبت پوتین مبنی بر اینکه دولت قزاقستان تا پیش از تأسیس از سوی نظربایف اساساً وجود خارجی نداشت و اشارات مشابه وی پیش از الحاق کریمه به روسیه را به ذهن متبادر می‌ساخت، نظربایف ضمن ابراز تعهدش به پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا اعلان نمود که «اگر به قواعدی که پیشتر در این پیمان مورد تأکید واقع شده‌اند احترام گذاشته نشود، آنگاه حق قزاقستان برای پایان دادن به عضویتش در اتحادیه اقتصادی اوراسیا محفوظ خواهد بود. آستانه^۱ هیچ‌گاه در سازمانی که تهدیدی علیه استقلال قزاقستان محسوب شود، مشارکت نخواهد کرد» (Laruelle, 2016:66). به این ترتیب بود که اقدامات روسیه در اوکراین بر مذاکرات آستانه در رابطه با تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا سایه انداخت و ضمن بروز تنش‌های آشکار و پنهان میان روسیه با دیگر طرفین، باعث شد که دولت‌های عضو در خصوص تفویض اختیارات گسترده به نهادهای تحت تسلط روسیه تجدیدنظر کنند (Dragneva, 2016:2).

رکود اقتصادی ناشی از کاهش قیمت انرژی و تحریم‌های بین‌المللی غرب علیه روسیه به سقوط ۳ درصدی رشد ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۱۵ منجر شد. این موضوع در عین حال نقش روسیه را به عنوان موتور اقتصادی در منطقه کم‌رنگ کرد. رکود اقتصادی روسیه و کاهش ارزش روبل تأثیر چشم‌گیری بر تجارت با شرکای اتحادیه اقتصادی اوراسیا داشت. تأثیر افول اقتصادی روسیه با تدابیر حمایتی اعمال‌شده از سوی مسکو همچون ایجاد موانع تجاری و طراحی برنامه‌های جایگزین صادرات بدتر هم شد. این اقدامات همچنین به شدت از یکپارچگی اتحادیه اقتصادی اوراسیا کاسته است.

در نتیجه منافع عضویت اتحادیه اقتصادی اوراسیا از سال ۲۰۱۵ رو به تخریب است که عمده دلیل آن را باید در مداخله روسیه در شرق اوکراین جستجو کرد. به عنوان مثال، قرقیزستان که بخشی از اقتصادش به صدور کارگر وابسته است، اگرچه امکان مهاجرت کارگرانش به روسیه در پی الحاق به اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مقایسه با تاجیکستان

^۱. Astana

به مراتب ساده تر است، اما به دلیل نبود بازار کار در روسیه به شدت تحت تأثیر پیامدهای منفی بحران اوکراین قرار گرفته است.

علاوه بر این، کاهش بهای روبل نگرانی‌هایی در خصوص سرآزیری کالاهای ارزان روسیه به بازارهای دیگر دولت‌های عضو به‌ویژه قزاقستان ایجاد کرده است که کالاهای آن قدرت رقابت در برابر کالاهای روسی با قیمت رو به نزول را ندارد. این دغدغه فی‌نفسه نشان داد که مشکلات اقتصادی روسیه هزینه‌های اقتصادی عینی را به دیگر دولت‌های عضو تحمیل می‌کند. به این ترتیب در غیاب امکان تداوم سیاست پرداخت یارانه‌های سیاسی از سوی مسکو به اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌نظر می‌رسد که برای کشورهای بلاروس، ارمنستان، قزاقستان و قرقیزستان هزینه‌های مشارکت در این اتحادیه بیش از منافع آن باشد.

آنچه مسلم است در عین حال اقدامات آشکار و پنهان روسیه در اوکراین به‌طور روشن از هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی ناشی از عدم تبعیت از روسیه خبر می‌داد. از سال ۲۰۱۴ توجه روسیه به ناچار از ابعاد داخلی و تکنوکراتیک اتحادیه اقتصادی اوراسیا به موضوعات ژئوپلیتیک و امنیتی سوق یافته است. روسیه در مورد اینکه چقدر به قواعد اتحادیه اقتصادی اوراسیا پایبند باشد کاملاً گزینشی عمل کرده و هزینه‌هایی که اقدامات یکجانبه‌اش بر دیگر دولت‌های عضو و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌عنوان یک کل داشته را نادیده انگاشته است. روسیه این‌گونه نشان داد که آماده است تا کل این سازمان را به بهای تلاش برای بازگرداندن قدرت منطقه‌ای‌اش تخریب کند. در نتیجه، وقایع در اوکراین طرح و عملکرد اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به‌طور عمیقی تغییر داد (Dragneva and Wolczuk, 2017: 12).

نتیجه‌گیری

پس از یک دوره غفلت از ادبیات مرتبط با نقش روسیه در روندهای منطقه‌گرایی، همگرایی در اوراسیای مرکزی به رهبری روسیه بار دیگر در حال جوانه‌زدن است. روسیه تا زمان تلاش برای تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اینکه در طرح‌های همگرایی پسا شوروی محدود شود و به‌مثابه یک عضو رژیم منطقه‌ای مشترک رفتار نماید، امتناع می‌کرد. با این‌همه، چالش‌های ژئوپلیتیک بحران اوکراین برای مسکو، این کشور را وادار به

ارائه امتیازات اقتصادی به کشورهای پساکمونویستی به‌منظور مشارکت در سازمانی به رهبری روسیه شد.

بلاروس و قزاقستان پس از بحران اوکراین با تکیه بر فرصت چانه‌زنی در برابر مسکو به امتیازات چشم‌گیری از روسیه دست یافتند. بنابراین به‌لحاظ نهادی موازنه اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای روسیه در مقایسه با همه سازمان‌های منطقه‌ای رقیب در فضای پسا شوروی نامطلوب‌تر شد. بر اساس هرگونه منطقی می‌توان انتظار داشت که روابط دوجانبه میان دولت‌های کوچکتر اتحادیه اقتصادی اوراسیا و روسیه بر روابط چندجانبه در آینده مقدم خواهد بود.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا از عدم تعهد و اشتیاق از سوی دولت‌های عضو رنج می‌برد. این اتحادیه اساساً پروژه‌ای روسیه‌محور است، اما دیگر اعضا نیز نفوذ قابل توجهی بر مسیر آن داشته‌اند. قزاقستان که کمترین وابستگی را به روسیه دارد در این مسیر مؤثرتر از دیگران ظاهر شده است. آنچه مسلم است این نوسان محدود می‌تواند به‌سادگی در زمان به‌میان آمدن پای منافع ژئوپلیتیک روسیه خنثی شود. ماهیت روابط میان روسیه و دیگر دولت‌های عضو، دست روسیه را در تعقیب دستورکار خود در داخل و خارج از اتحادیه اقتصادی اوراسیا باز می‌گذارد.

روسیه به تأسیس این اتحادیه علاقه‌مند بوده است اما اشتیاق یا سرمایه‌گذاری لازم در نهادهای قوی فراملی آن نشان نداده است. معماری و نیز نحوه عملکرد همگرایی اوراسیا، امکان اینکه اتحادیه اقتصادی اوراسیا گذار عمیق نهادها و سیاست‌های دولت‌های عضو را برانگیزد تا حد زیادی غیرمحمتمل می‌سازد. با این‌همه، اتحادیه اقتصادی اوراسیا صرف‌نظر از کاستی‌های چندگانه‌اش نباید دست‌کم گرفته شود. اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای روسیه ابزار اولیه به‌رسمیت شناخته شدن دستورالعمل ژئوپلیتیک جهانی این کشور به‌شمار می‌آید.

به‌رغم عدم تمایل مسکو به پابندی به قواعد مشترک، سودمندی این اتحادیه همچنان برای مسکو زیاد خواهد بود. برای دیگر دولت‌های عضو نیز حتی با کمترین مزایای اقتصادی و ناتوانی در مهار مال ژئوپلیتیکی روسیه، همچنان دلایل کافی برای مشارکت وجود دارد. به‌طور نظری، دولت‌ها نمی‌توانند به‌گزینه نهایی یعنی عقب‌نشینی از این بلوک متوسل شوند. درعین‌حال، خطر عقب‌نشینی اعضا از این رژیم برای روسیه به‌دلیل

وابستگی دولت‌های عضو به مسکو، تقلیل می‌یابد. مثال اوکراین مؤید مخاطره‌آمیز بودن خروج از بلوک اوراسیا است. بنابراین بازی همگرایی اوراسیا به نظر نمی‌آید که به این زودی متوقف شود.

منابع و مأخذ

- خبرگزاری ایرنا (۱۵ آذر ۱۳۹۷)، «اوراسیا موافقت‌نامه محدوده آزاد تجاری با ایران را تایید کرد»، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/83125379>
- Abugattas, L. (2004), *Swimming in the Spaghetti Bowl: Challenges for Developing Countries under the "New Regionalism"*, New York: United Nations.
- Alekseenkova, E. (2018), "The EAEU by 2025: Priorities and Expectations of Russia", *Analytical Media 'Eurasian Studies'*, Available at: <http://greater-europe.org/archives/3877>, Accessed on: 17 November 2018.
- Aysor (2013), "Russian Gas Price for Armenia to be \$189 Per 1,000 Cubic Meters", 2 December, Available at: <https://www.aysor.am/en/news/2013/12/02/putin-gaz/709531>, Accessed on: 26 November 2018.
- BBC (30 November 2013), "Ukraine Protests after Yanukovich EU Deal Rejection", Available at: <https://www.bbc.com/news/world-europe-25162563>, Accessed on: 12 November 2018.
- Busygina, I. and Filippov, M. (2018), "Russia and the Eurasian Economic Union: Between Bilateral and Multilateral Relations", *UI Brief* 9(2): 1-10.
- Czerewacz-Filipowicz, K. and Konopelko, A. (2017), *Regional Integration Processes in the Commonwealth of Independent States: Economic and Political Factors*, Cham: Springer.
- Dragneva, R. (2016), "The Eurasian Economic Union: between Sovereignty and Integration", Working Papers of *Institute of European Law*, No. 10, Available at: http://epapers.bham.ac.uk/2220/1/IEL_Working_Paper_10-2016-dragneva.pdf, Accessed on: 8 November 2018.
- Dragneva, R. and Wolczuk, K. (2015), *Ukraine between the EU and Russia: The Integration Challenge*, New York: Palgrave Macmillan.
- Dragneva, R. and Wolczuk, K. (2017), "Eurasian Economic Union Deals, Rules and the Exercise of Power", *Chatham House Research Paper*, May, Available at: <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/publications/research/2017-05-02-urasian-economic-union-dragneva-wolczuk.pdf>, Accessed on: 2 November 2018.
- EEC (14 May 2018), "Moldova Granted Observer State Status at the EAEU", *Eurasian Economic Council*, Available at: <http://www.eurasiancommission.org/en/nae/news/Pages/14-05-2018-3.aspx>, Accessed on: 21 October 2018.

- EEC (16 August 2016), “Free Trade Agreement between the Eurasian Economic Union and Vietnam to Enter Into Force on October 5”, *Eurasian Economic Council*, Available at: <http://www.eurasiancommission.org/en/nae/news/Pages/19-08-2016.aspx>, Accessed on: 5 October 2018.
- EEC (21 November 2019), “Report on the State of Mutual Trade between the EAEU Member States in 2018”, *Eurasian Economic Council*, Available at: http://eec.eaeunion.org/ru/act/integr_i_makroec/dep_stat/tradestat/analytics/Documents/report/Report_2018.pdf#pagemode=bookmarks, Accessed on: 1 October 2018.
- EEC (23 November 2016), “EAEU Intending to Create Eurasian Brands”, *Eurasian Economic Council*, Available at: <http://www.eurasiancommission.org/en/nae/news/Pages/23-11-2016-2.aspx>, Accessed on: 26 November 2018.
- EEC (29 May 2015), “Report on the Results of Analysis of the Dynamics of Mutual Trade of the States Members of the Customs Union and the Common Economic Space in 2010-2014”, *Eurasian Economic Council*, Available at: http://eec.eaeunion.org/ru/act/integr_i_makroec/dep_stat/tradestat/analytics/Documents/report/Report_2010-2014.PDF, Accessed on: 26 November 2018.
- Fassi, E. and Zotti, A. (2018), “The EU and EAEU: Normative Power and Geopolitics in EU-Russia ‘Shared Neighbourhood’”, In C. Frappi and G. Pashayeva (Eds.), *Cooperation in Eurasia: Linking Identity, Security and Development* (pp. 21-52), Milano: Ledizioni LediPublishing.
- GA (2015), “Treaty on the Eurasian Economic Union (Courtesy Translation)”, *General Assembly of the United Nations*, Available at: http://www.un.org/en/ga/sixth/70/docs/treaty_on_eeu.pdf, Accessed on: 27 October 2018.
- Hettne, B. (2003), “The New Regionalism Revisited”, In F. Söderbaum and T. M. Shaw (Eds.), *Theories of New Regionalism: A Palgrave Reader* (pp. 22-42), Basingstoke: Palgrave.
- Hettne, B. (2005), “Beyond the ‘New’ Regionalism”, *New Political Economy* 10(4): 543–571.
- Higgott, R. (2016), “Regional Worlds, Regional Institutions: Towards the Regional Economic Institutionalisation of East Asia?” *CSGR Working Paper*, No. 280/16, Available at: <http://www.warwick.ac.uk/csgr/papers/280-16.pdf>, Accessed on: 1 November 2018.
- Karliuk, M. (2017), “The Eurasian Economic Union: an EU-Inspired Legal Order and Its Limits”, *Review of Central and East European Law* 42(2): 50-72.
- Katzenstein, P. J. (2005), *A World of Regions: Asia and Europe in the American Imperium*, Ithaca: Cornell University Press.

- Kembayev, Z. (2016), “Regional Integration in Eurasia: The Legal and Political Framework”, *Review of Central and East European Law* 41(2): 157-194.
- Kinyakin, A. (2016a), “The Eurasian Economic Union: Between Co-Existence, Confrontation and Cooperation with the EU”, *Rocznik Integracji Europejskiej* 10(3): 461-480.
- Kinyakin, A. (2016b), “Eurasian Economic Union as Integration Structure: Challenges and Opportunities for the EU”, in J. Franzke, B. Koszel and A. Kinyakin (Eds.), *Die Europäische Union und Russland*, Potsdam: Potsdamer Wissenschaftsverlag.
- Kudritski, A. (2015), “Belarus Seeks \$3b IMF Loan as Lukashenko Tilts Away From Russia”, *Bloomberg*, 1 December, Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2015-12-01/belarus-seeks-3bimf-loan-as-lukashenko-tilts-away-from-russia>, Accessed on: 8 November 2018.
- Laruelle, M. (2016), “Why No Kazakh Novorossiya? Kazakhstan’s Russian Minority in a Post-Crimea World”, *Problems of Post-Communism* 65(1): 65–78.
- Lavrov, S. (2012), “Russian Diplomacy and the Challenges of the 21st Century”, *International Affairs: A Russian Journal of World Politics, Diplomacy & International Relations* 58(5): 1-18.
- MacFarquhar, N. (2014), “Russia and 2 Neighbors Form Economic Union That Has a Ukraine-Size Hole”, *New York Times*, 29 May, Available at: <https://www.nytimes.com/2014/05/30/world/europe/putin-signs-economic-alliance-with-presidents-of-kazakhstan-and-belarus.html>, Accessed on: 29 October 2018.
- Malle, S. (2016), “Economic Sovereignty. An Agenda for Militant Russia”, *Russian Journal of Economics* 2(2): 111-128.
- Molchanov, M. A. (2016), *Eurasian Regionalisms and Russian Foreign Policy*, New York: Routledge.
- Molchanov, M. A. (2018), “The Eurasian Economic Union”, In A. P. Tsygankov (Ed.), *Routledge Handbook of Russian Foreign Policy* (pp. 410-420), London and New York: Routledge.
- Perovic, J. (2018), “Russia’s Turn to Eurasia”, *CSS Policy Perspectives* 5(6): 1-4.
- Petrov, R. and Van Elsuwege, P. (2017), *Post-Soviet Constitutions and Challenges of Regional Integration: Adapting to European and Eurasian Integration Projects*, London: Routledge.
- Polanyi, K. (1945), “Universal Capitalism or Regionalism Planning”, *The London Quarterly of World Affairs* 10(3): 86-91.
- Popescu, N. (2014), “Eurasian Union: the Real, the Imaginary and the Likely”, EUSS: Chailiot Paper 132(September):
- Putz, C. (2018), “Tajikistan Still Considering Engagement with the Eurasian Economic Union”, *The Diplomat*, 23 April, Available at:

- <https://thediplomat.com/2018/04/tajikistan-still-considering-engagement-with-the-eurasian-economic-union>, Accessed on: 12 October 2018.
- Rivera, P. P. and Garashchuk, A. (2016), “The Eurasian Economic Union: Prospective Regional Integration in the Post-Soviet Space or Just Geopolitical Project?”, *Eastern Journal of European Studies* 7(2): 91-110.
- Schmidt-Felzmann, A. (2014), “Is the Eu’s Failed Relationship with Russia the Member States’ Fault?”, *Dans L’Europe en Formation* 4(374): 40-60.
- Shuiyu, J. and Nan, Z. (2018), “China Signs Trade Deal with Eurasian Economic Union”, *China Daily*, 18 May, Available at: <http://www.chinadaily.com.cn/a/201805/18/WS5afe4aaba3103f6866ee941b.html>, Accessed on: 29 October 2018.
- *Sputnik News* (10 October 2016), “Russia to Restore Planned Duty-Free Oil Deliveries to Belarus”, Available at: <https://sputniknews.com/europe/201610101046183645-russia-belarus-oil-gas>, Accessed on: 17 November 2018.
- Svetlicinii, A. (2018), “China’s Belt and Road Initiative and the Eurasian Economic Union: ‘Integrating the Integrations’”, *Public Administration Issues* 3(2): 7-20.
- *The Moscow Times* (15 March 2017), “Belarus’ Top Experts Ordered to Withdraw from Russian-Led Customs Union”, Available at: <https://www.themoscowtimes.com/2017/03/15/lukashenko-orders-withdrawal-of-belarusian-specialists-from-customs-union-a57434>, Accessed on: 17 November 2018.
- Traynor, I. and Grytsenko, O. (2013), “Ukraine Suspends Talks on EU Trade Pact as Putin Wins Tug of War”, *The Guardian*, 21 November, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2013/nov/21/ukraine-suspends-preparations-eu-trade-pact>, Accessed on: 12 November 2018.
- Vicari, M. S. (2016), “The Eurasian Economic Union- Approaching the Economic Integration in the Post-Soviet Space by EU-Emulated Elements”, *Revue Interventions économiques* 55(2): 1-16.
- Vinokurov, E. (2017), “Eurasian Economic Union: Current State and Preliminary Results”, *Russian Journal of Economics* 3(1): 54–70.